تو نیکی میکن و در دجله انداز

سپهرغرب، گروه اجتماعی - عباس سریشی: شکی نیست که رتق‌وفتق امور و یا کمک‌رسانی به صدمه دیدگان رخدادهای عظیم طبیعی همچون سیل، طوفان، زلزله و... بیشتر از آنکه یک وظیفه دولتی باشد نیازمند یک عزم ملی است. حرکتی که می‌توان در نفس آن موج پر قدرتی از مفاهیم انسانیت، نوع‌دوستی، مهربانی، همدردی و ده‌ها صفت عالیه اخلاقی را دید؛ و صدالبته این نیز یکی از شاخص‌ترین خصایص مشرق زمینی‌ها و به‌ویژه ایرانیان مسلمان است که به‌رغم داشتن مشکلات داخلی و یا حتی فردی نمی‌توانند در قبال ناله و اشک انسان‌های مظلوم و بلادیده در اقصا نقاط جهان ساکت نشسته و یا از کنار آن بابی تفاوتی بگذرند چه رسد به هم‌میهنان گرفتار خود.

و اینکه به گواهی تاریخ نیز حضور این ملت فداکار در عرصه کمک‌رسانی به همنوعان خود در سراسر جهان قابل ذکر است اما بی‌شک اوج این پویش مثال‌زدنی و همگانی را می‌توان در وسعت و سرعت کمک‌رسانی به هم‌وطنان داغدار و زجرکشیده خود در برخی حوادث طبیعی چند سال گذشته به‌وضوح هرچه تمام دید و حس کرد که زلزله بم و یا حادثه مشابه اخیر آن در کرمانشاه از برجسته‌ترین آن‌ها است.

وقایعی دردناک که ناخواسته موجب کشته مجروح شدن هزاران نفر و یا از بین رفتن خانه و کاشانه‌های بسیاری شده و به‌نوبه خود باعث گردید تا قلوب همه ما مملو از اندوه و غم گردد زیرا ما ملتی هستیم که فارغ از همه شعارها و جبهه‌گیری‌های سیاسی، دینی، عقیدتی و... تنها بر اساس شعور و تعلق‌خاطر به مفهوم انسانیت عمیقاً بر این باوریم که همه ایران سرای ما و همه هم‌وطنان به‌مثابه خواهران و برادران ایمانی ما هستند که هیچ‌گاه نمی‌توانیم بی‌تفاوت و یا فارغ از شادی و غم‌هایشان باشیم.

بی‌شک وجود همین نوع‌دوستی و هم دردی‌های قلبی و وجدانی ماست که باعث شد در یک فراخوان درون نهاد و اخلاق مدارانه به‌مجرد اطلاع از وقایعی این‌چنین از بذل و اهداء کمک‌های گوناگون فروگذار نکرده تا شاید از این ره‌آورد مرهمی بر دل خسارت دیدگان و داغداران نهاده باشیم.

اینکه چه امری باعث می‌شود که در چنین مواقع بحرانی حتی نیازمندان جامعه نیز به‌نوعی درصدد کمک برآمده و از بذل کمک‌های هرچند به‌ظاهر ناچیز کوتاهی نکنند و یا آنان که به دلیل تمکن مالی مبالغ و کمک‌های چشمگیرتری را به این امر اختصاص می‌دهند و یا آن دسته که با اهداء خون از جان خویش مایه می‌گذارند قطعاً یک پاسخ بیشتر ندارد و آن ارزش و احترام تمام‌قد به انسانیت و همنوع است.

در حقیقت کمک‌رسانی به هم‌وطنان صدمه‌دیده تنها مقوله‌ای است که همه ما فارغ از همه جناح‌بندی‌های سیاسی، اعتقادی، دینی و حتی خونی و خویشاوندی دست در دست هم داده و بدان عمل می‌کنیم بدون آنکه انتظار و یا چشمداشت خاصی به تعریف، تمجید، تبلیغات و یا منافع آن داشته باشیم اما به‌رغم همه این محسنات نباید فراموش کرد که شیوه و شکل کمک‌رسانی و امداد نیز برای خود دارای چارچوب‌ها، قوانین و بایدونبایدهایی است که اگر همه مردم مایل نباشند بر اساس آن عمل نمایند دور از ذهن نیست که برخی از همین کمک‌ها نیز به‌نوبه خود می‌تواند موجب زحمت‌های فراوانی و یا هدر رفت سرمایه‌های انسانی و مالی گردد.

موضوعی که به‌طورقطع متولیان امر فراوان به آن اشاره نموده و از مردم تقاضا داشته و دارند تا با یک نظم‌پذیری همگانی باعث شوند تا از حداقل امکانات بیشترین بهره روی‌ها به عمل آید اما...

درک اهم و مهم نیازها

شکی نیست که در مواقع بحرانی و بروز صدمات گسترده و زمانی که مردم برخی مناطق همه هستی خود را با خاک یکسان شده می‌بینند هر لنگه‌کفش کهنه برای آنان حکم غنیمت را خواهد داشت بااین‌حال و بر اساس آنچه که از آن به‌عنوان نیازهای اولویت‌دار منطقه حادثه‌دیده یاد می‌شود لاجرم برخی از اقلام و ملزومات دارای بازده بیشتر و حیاتی‌تری هستند که تشخیص و اعلام آن‌ها همیشه از طرف مدیران حاضر درصحنه بحران سریعاً انجام می‌شود.

در حادثه اخیر استان کرمانشاه هم وقتی مراتب نیاز به برخی اقلام ضروری مانند چادر، آب آشامیدنی بسته‌بندی‌شده، غذای کنسروی، لباس، پتو و... از طریق رسانه ملی اعلام شد مردم سریع نسبت به تأمین و ارسال آن‌ها اقدام نمودند که جلوه‌های از این درک را می‌توان در ملزومات جمع‌آوری‌شده بسیاری از ایستگاه‌های کمک‌رسانی شهر همدان دید.

یکی از همشهریان با اشاره به اینکه بر اساس اطلاعیه صداوسیما اقدام به اهداء مقادیری آب‌معدنی و پتو نموده است، عنوان کرد: این بسیار مهم است که ما بدانیم چه کالایی کمک کنیم و اصلاً اولویت با کدام اجناس است. همه مردم کمک می‌کنند و این خوب است اما بهتر آن است که همه مادر راستای برطرف کردن نیازهای اولویت‌بندی شده اقدام کنیم این هم به نفع نیازمندان است و هم کار مجریان را راحت‌تر می‌کند.

متصدی یکی از ایستگاه‌های جمع‌آوری نیز ضمن تقدیر و تشکر از مردم، بیان کرد: الحمدالله نحوه کمک‌رسانی مردم بسیار منظم و بجا بود. بیشتر شاهد اهداء اقلام موردنیاز اعلام‌شده بودیم تا اجناس متفرقه بااین‌حال هنوز معتقدم که فرهنگ کمک‌رسانی و اهداء وسایل کمی باید تغییر یابد که البته آن‌هم زمان‌بر خواهد بود.

در ایستگاه جمع‌آوری کمک‌های مردمی امامزاده عبدالله (ع) بانویی ضمن اهداء یک رول پلاستیک جهت چادر، عنوان کرد: هنگامی که تلویزیون اعلام کرد نایلون نیاز است من هم ترجیح دادم تا بر اساس اعلام رسانه‌ها عمل کنم. شخصاً بر این باورم که اعلام نیازها توسط مسئولان بر اساس واقعیت مناطق بوده و طبعاً ما نیز موظفیم در این خصوص با ایشان همکاری کنیم.

مسئول یکی از چادرهای جمع‌آوری کمک (هلال‌احمر) ضمن افتخارآمیز خواندن این شعور اجتماعی، عنوان کرد: برحسب سال‌ها کار باید اذعان کنم امروز فرهنگ کمک‌رسانی به‌ویژه درک اهم و مهم نیازها نسبت به گذشته تغییر کرده و وارد یک مسیر بسیار منظم و بسامان تر شده. مردم بسیار هوشمندانه و بجا با توجه به اعلام نیازها اجناس و اقلام موردنیاز را به مبادی مربوطه اهداء نمودند البته امیدواریم دیگر شاهد چنین رخدادهای تلخ و جان‌سوزی در هیچ کجای دنیا و کشورمان نباشیم اما درهرصورت این تعالی فکر و ارتقاء شعور و فرهنگ کمک‌رسانی در چند حادثه اخیر نیز از زیبایی‌های آن محسوب می‌شود.

کیفیت همیشه مقدم بر کمیت

هرچند بیشتر ما با لحاظ نمودن مبحث اهم و مهم به کمیت کمک‌ها نیز دقت کرده و در حد مقدور افزایش کمی آن‌ها را نیز در دستور کار قرار می‌دهیم بااین‌حال بهتر است به مبحث کیفیت کمک‌ها نیز توجه کنیم. اسلام نیز بر همین مبنا به همان میزان که به کمیت کمک‌رسانی و انفاق تأکید دارد به کیفیت آن نیز توجه خاص نموده و توصیه می‌کند که مؤمنان همیشه از بهترین محصولات، کالاها و غذاهای خود به نیازمندان و مستحقان کمک کرده تا شأن و منزلت ایشان را حفظ کنند.

در باب کمک‌رسانی به مناطق حادثه‌دیده و یا افراد بی‌بضاعت نیز باید این امر بسیار موردتوجه مردم قرار گیرد زیرا هرچه که هدایای ما از کیفیت و سلامت بیشتری برخوردار باشد نه‌تنها موجب خشنودی خداوند را فراهم خواهد کرد بلکه باعث می‌شود تا خدای‌نکرده تبعات منفی نیز از این باب به نیازمندان وارد نشده و شأن و منزلت ایشان هم دستخوش کم‌وکاست نگردد.

مسئول یکی از ایستگاه‌های جمع‌آوری کمک‌های مردمی با اشاره به حجم بالای اقلام اهدایی، عنوان کرد: هرچند درمجموع کمک‌های جمع‌آوری‌شده هم به لحاظ کمی و هم از منظر کیفی شاهد افزایش‌های شایسته‌ای بودیم بااین‌حال گاهی نیز مشاهده می‌شود برخی از اقلام اهدایی نه‌تنها قابلیت ارسال را ندارد بلکه به‌شخصه معتقدم به‌نوعی نیز موجب تبلیغات منفی هم می‌شوند.

اینکه وقتی عده‌ای از سر ناآگاهی و یا بی‌توجهی البسه و وسایل کهنه و دست‌دوم خود را برای نیازمندان به ایستگاه‌ها تحویل داده و یا بدون توجه به تاریخ و نوع مصرف خوراکی‌ها را به این امر اختصاص می‌دهند نه‌تنها کار اشتباهی می‌کنند بلکه باعث سردرگمی و اتلاف وقت مجریان و عوامل کمک‌رسانی هم می‌شوند البته به گفته ایشان این موارد دریکی دو حادثه اخیر بسیار کمتر شده لیکن هنوز نمونه‌هایی از آن دیده می‌شود که امیدواریم دیگر تکرار نشود.

یکی از همشهریان همدانی با اشاره به تذکرات مسئولان از طریق رسانه ملی، عنوان کرد: این بسیار بد است که عده‌ای البسه و ملزومات بلااستفاده خود را برای این‌گونه موارد اختصاص می‌دهند. ما انسانیم و باید شأن هم‌وطن خود را حفظ کنیم مَثل این افراد آسیب‌دیده شبیه انسان‌هایی است که هرچند به ظاهر از اسب افتاده‌اند اما از اصل نه پس کمک‌های ما باید در شأن و شخصیت آن‌ها باشد. توصیه من به همشهریان این است که حتی اگر به میزان کم هم شده کمک کنند اما به کیفیت آن توجه کنند.

از منظر همشهری دیگری یک پیراهن نو به‌مراتب بهتر از صد دست لباس کهنه و استفاده‌شده است. آیا انتظار داریم به‌رغم توصیه‌های اخلاقی دینی در خصوص حفظ شأن و شخصیت نیازمندان با دادن البسه، اقلام و اجناس کهنه و فرسوده خود خدا را راضی و بنده خدا را خشنود کنیم؟

اطمینان به دستان خدا

در حدیث داریم که صدقات قبل از آنکه به دست نیازمندان برسد به دست خدا می‌رسد. قطعاً اعتقاد، اعتماد و باور به این توصیه و پیام است که باعث می‌شود بسیاری از بزرگان و اهل معنا بدون شک و شبهه صدقات و انفاق‌های خود را برای رسانده به نیازمند واقعی به مبادی مربوطه داده و پرداخت آن را مشروط و مقید به بازخورد سند و دلیل و برهان نکنند.

اگرچه همه ما باید در شیوه انفاق و کمک‌رسانی مراقب بایدونبایدها باشیم بااین‌حال وقتی در یک حرکت عظیم ملی همه مردم، نهادها، سازمان‌ها و یا مسئولان دست‌اندرکار می‌شود تا نیازهای یک منطقه و جمعیت بلادیده را تأمین و به دستشان برسانند انصاف نیست که با ایجاد تشکیک و ابهام‌های نابجا و یا دامن زدن به برخی شایعات موجبات کندی این حرکت و یا اخلال در سازوکار آن شویم.

به‌طورقطع وجود این‌دست شایعات و یا دامن زدن به برخی مباحث حاشیه‌ای از سوی معاندان نظام و افراد مسئله‌دار از یک‌سو وهم آوایی برخی عوام ناآگاه و ساده‌دل از سوی دیگر یکی از بدترین و درعین‌حال ناشایست‌ترین حربه‌ها برای زیر سؤال بردن این خیزش عظیم ملی در کمک‌رسانی به هم‌وطنان دردکشیده و یا نیازمندان است که اخیراً نیز شاهد طرح آن بودیم.

قدر مسلم به‌جزء یکی دو نهاد مشخص و سرپنجه‌های اجرایی آن‌ها که مشتمل بر ایستگاه‌های مشخص برای جمع‌آوری کمک‌ها هستند عنصر دیگری در این پروسه حضور ندارد و اینکه وجود نظارت‌های لازم نیز باعث گردیده تا مسیر کانالیزه و هدایت کمک‌ها به مناطق و دستان اشخاص حقیقی از سلامت بالایی برخوردار باشد بااین‌حال خبرهایی که حکایت از ترافیک سنگین متأثر از ارسال کمک‌ها مردمی به‌صورت مستقل به مناطق حادثه‌دیده داشته و یا بلاتکلیف مانده همان کمک‌ها در آن مناطق شاید نمونه‌های از این‌سو گیری‌ها و یا توجه به اکاذیب و سخنان مغرضانه است.

البته به‌جزء تعداد انگشت‌شماری از افراد بیشتر همشهریان همدانی ضمن اعلام اعتماد کافی و بالا به نهادها و سازمان‌های کمک‌رسان معتقدند که بهترین، سالم‌ترین و درعین‌حال سریع‌ترین مکان برای کمک به مردم مناطق حادثه‌دیده همین سیستم فعلی مشتمل بر کمیته امداد، هلال‌احمر، بهزیستی و... است که با تجمیع، دسته‌بندی و ارسال اقلام موردنیاز به مناطق هدف این کمک‌ها را به سرانجام مطلوب می‌رسانند.

از منظر ایشان وجود برخی شایعات و حرکت‌های انفرادی بیشتر از آنکه چاره‌ساز باشد سبب زحمت آفرینی برای مردم و مسئولان می‌گردد بااین‌حال هنوز اعتماد به نهادها حرف اول و آخر را زده و نیاز نیست تا هر فرد و یا گروه برای کمک‌رسانی مستقیماً راه مناطق حادثه‌دیده را در پیش گیرد.

یکی از همشهریان با عنوان اینکه صدقه نخست به دست خدا می‌رسد بعد به دست نیازمند، گفت: وظیفه ما تا اینجا مشخص است فقط کمک مالی و جنسی به ایستگاه‌ها بعدازآن افراد و مدیران آگاه باید امانت‌دار باشند و در رساندن امانت به اهلش تلاش کنند که البته خدا را شکر همین‌گونه است. وقتی در اخبار می‌شنویم که دیگر نیازی به ارسال فلان وسیله و ملزوم نیست و اولویت بعدی تعریف می‌شود این بدان معناست که امانت به اهلش رسیده پس شک شبهه سازی مغرضان بی‌اثر می‌شود.

همشهری دیگر نیز با اشاره به توصیه مسئولان در خصوص عدم تردد خودروهای شخصی برای کمک‌رسانی و یا بردن خودسرانه وسایل و کمک‌ها، عنوان کرد: قدر مسلم اکنون در این مناطق مدیریت کمک‌رسانی مقبولی حاکم شده و حضور افراد متفرقه بیشتر بر هرج‌ومرج اوضاع می‌افزاید و قطعاً توصیه‌های مسئولان بی‌دلیل نیست. اگر ما برای خدا کمک می‌کنیم دیگر سزاوار نیست برای آن اگر و اما و قید شرط بگذاریم ضمن آنکه تجربه به ما آموخته بیشتر نهادهای مسئول در این زمینه پاک دست هستند و عملکردشان به‌دور از ابهام و تردید است.

تربیت پسران برای پذیرفتن نقش‌های آینده

سپهرغرب، گروه اجتماعی: بی‌شک واژه «تربیت» یکی از کلمات دغدغه آفرینی است که امروزه خانواده‌ها با آن مواجه می‌شوند. هم‌زمان با عصر تکنولوژی و وجود انواع بازی‌ها و کارتون‌های برگرفته از فرهنگ غیر ایرانی که کودکان امروز را احاطه کرده‌اند «تربیت» قدری دشوارتر از سابق به نظر می‌رسد. این دشواری برای خانواده‌هایی که فرزند پسردارند ملموس‌تر است و معمولاً نگرانی این خانواده‌ها، آینده فرزندانشان را هم در برمی‌گیرد که؛ چطور پسرمان را تربیت کنیم تا در آینده همسر و پدر خوبی باشد و بتواند تکیه‌گاه مطمئنی برای آن‌ها شود؟

باگذشت هفت سال اول که بنا بر آموزه‌های دینی باید کودکان را آزاد گذاشت وارد مرحله بعد شده و لازم است برای فرزندانمان؛ بخصوص پسرها سیر تربیتی در نظر بگیریم.

مهم‌ترین هدف از تربیت یک پسر این است که در او ایده آل‌های مردانه شدن را فعال کنیم. ایده آل‌هایی که او به آن متعهد شود و تا پایان زندگی خود آن‌ها را دنبال نماید.

فرزند پسری که مجموعه‌ای از ایده آل‌های مردانه را می‌آموزد مرد می‌شود و پسری که این کار را نمی‌کند سال‌های نوجوانی خود را تلف می‌کند و بعد نیز این دشواری‌ها را به دهه‌های بعدی زندگی خود می‌برد. نشان دادن خشونت، ناتوانی در قبال تعهد نسبت به عزیزان، مرگ زودهنگام، خودکشی و یا بیماری‌های قابل‌اجتناب جسمانی و روانی، عزت‌نفس ضعیف و ادامه‌دار، معتاد شدن و... از مصادیق این نوع دشواری‌ها است.

باید به پسرهایمان بیاموزیم که:

- نسبت به خانواده متعهد باشند و مرام‌های اجتماعی را رعایت کنند.
- استقلال شخصیت خود را بشناسند و به آن احترام بگذارند.
- نسبت به هر موضوعی که با آن‌ها مرتبط است احساس وظیفه داشته باشند.
- منش اخلاقی‌شان را متناسب با آموزه‌های دینی و ساختار موردپسند جامعه انتخاب کنند.
- در تصمیم‌گیری‌هایشان ثبات و استحکام داشته باشند.
- تلاش کنند برای سازگاری با اموری که موردعلاقه‌شان نیست.
- در برابر بعضی برنامه‌ها و یا تصمیم‌گیری‌های زندگی انعطاف‌پذیری داشته باشند.

در آموزش این نکات علاوه بر اینکه مادر نقش همیشگی و مستمری در تربیت فرزندان دارد اما جایگاه پدر نیز در این عرصه بسیار لازم و ضروری است. در تربیت فرزندان ذکوری که به سن نوجوانی رسیده‌اند، حضور پدر نقش اصلی‌تری دارد.

فرزندان پسر از سن نه تا سیزده‌سالگی دوران تحول را تجربه می‌کنند. این دوران زمانی است که مردان باید بیش از هر زمان دیگری در زندگی پسرها دخیل شوند. در این سنین باید برای آن‌ها طوری برنامه‌ریزی کرد که انرژی‌شان در جهت مثبتی تخلیه شود. باید با آن‌ها بیشتر از قبل صحبت کرد.

زمانی که پسرمان ده‌ساله می‌شود لازم است به او بگوییم «تو وارد دوران نوجوانی شده‌ای» این مربوط به آماده کردن اوست که درواقع به او می‌گوییم دوران کودکی‌اش را پشت سر گذاشته است و به دوران نوجوانی رسیده است این کار می‌تواند بسیار ساده صورت بگیرد؛ مثلاً می‌توانیم پسرمان را برای صرف شام به رستوران ببریم و با او درباره دوران نوجوانی و مردانه شدن حرف بزنیم. فهرست کارها و مسئولیت‌های جدیدی برای او در نظر بگیریم پول‌توجیبی او را افزایش دهیم و...

در این زمان باید از او بخواهید سؤالاتی را که به جواب آن‌ها احتیاج دارد بپرسد. بهتر است شرایط را طوری برایش فراهم کنید که به یک سفر برود و این‌گونه به‌صورت غیرمستقیم به او گفته‌ایم که دوران کودکی‌اش تمام‌شده. اگر این روند را در پیش نگیریم پسرمان، به آن حد بلوغ اجتماعی که لازمه مرد شدن و آینده اوست نخواهد رسید.

با ورود پسر به سنین نوجوانی باید سعی شود که:

- به او الگو بدهیم و میان توانایی‌های او و الگوی ارائه‌شده ارتباط برقرار کنیم.
- با او درباره اسطوره‌ها و دانشمندان و افرادی که عمرشان مفید بوده صحبت کنید.
- باید به او مسئولیت بیشتری داد تا احساس کنند فرد مفیدی در خانواده است.
- برای جوابگویی به سؤال‌های او باید سعی شود تا از رسانه‌هایی که موردعلاقه‌ی نوجوانان است استفاده شود.
- پدر و مادر در این مرحله باید اشراف خوبی به آنچه که پسرشان علاقه دارد، داشته باشند. باید بدانند به چه نوع فیلم‌هایی علاقه دارد و چه نوع وسایل و سرگرمی‌هایی را می‌پسندد.
- بهتراست فعالیت‌های ورزشی او را بالا ببرید. فعالیت‌های ورزشی از تنش‌های دوران نوجوانی می‌کاهد و باعث تعادل هورمون‌های پسرانه می‌گردد.

خانواده باید پس از گذشتن فرزندشان از مرحله نوجوانی و رسیدن او به مرحله جوانی بستر برخی فعالیت‌های مفید و سازنده را فراهم کنند. درگذشته پسرانی که به سنین ۱۸ سالگی می‌رسیدند به‌عنوان یک مرد می‌توانستند سرپرستی یک خانواده را به عهده بگیرند اما امروزه به دلیل زمان بسیاری که تحصیل و سربازی از آن‌ها می‌گیرد و در پی آن بازهم راه ادامه تحصیل و آماده شدن برای کنکور ارشد و دکترا و درنهایت بازار کار، زمان لازم را برای «مرد» شدن ندارند و لازم است خانواده برای هویت بخشی و تربیت اجتماعی آن‌ها بیش‌ازپیش کوشش داشته باشند به‌عنوان‌مثال تشویق او برای گرفتن گواهینامه و توصیه به معاشرت با آن دسته از دوستان افرادی که مورد وثوق خانواده هستند. پیدا کردن یک کار نیمه‌وقت و هم‌زمان باکار ادامه تحصیل و درنهایت فارغ‌التحصیل شدن و تلاش برای پیدا کردن کار و شئون اجتماعی مناسب‌تر.

تجربه نشان داده پدر و مادرهایی که یک مسافرت مردانه برای نوجوانشان تدارک دیده‌اند و در آن وظایفی را به پسرشان محول نموده‌اند موفقیت تربیت خوب را در فرزندانشان احساس کرده‌اند!

با ورود نوجوان به سن جوانی فرزند پسرمان؛ شکل گرفتن رشد فیزیولوژیکی، هورمونی و شناختی خود روبه‌رو می‌شود، مغزش شکل می‌گیرد، بدنش تغییر می‌کند. او به مغز، بدن و هورمون‌هایش عادت می‌کند. شرایط قوام می‌گیرد و مستحکم می‌شود او در فاصله سال‌های هجده، نوزده، بیست و بیست‌ویک‌سالگی می‌آموزد که بر خود مدیریت کند:

- در این مرحله او کمتر مجذوب شخصیت‌های اطرافیان می‌شود.
- بیشتر در حالت تفکر می‌رود.
- از یک سیستم اخلاقی شکل‌گرفته برخوردار است.

خانواده باید در این مرحله به مرد جوان مسئولیت‌های یک مرد رشد یافته را بدهند. او حالا در موقعیتی است که می‌تواند از عهده هر کاری برآید.

- باید به او اجازه داد در سن جوانی سفرهای تنهایی را تجربه کند.
- باید با او متواضع برخورد کنید و درعین‌حال اختیار و اقتدار «والدین» بودن خود را حفظ کنید این بدین معنی است که در صورت لزوم از او عذرخواهی کنید.
- دوستانش را بشناسید و سعی کنید کنترل‌هایتان درباره دوست‌ها و اطرافیانش نامحسوس باشد.

پدر در این مرحله باید محبت از جنس مردانه را به فرزندش بیاموزد. بهترین نوع آموزش در این زمینه رفتار پدر و مادر در منزل و با اعضای خانواده است.

باید به آن‌ها مسئولیت و کار کردن برای خانواده را آموخت. باید آن‌ها را تشویق کرد برای پیدا کردن شغل مناسب و وارد عرصه زندگی شدن و البته نکته مهمی که در تمام سنین کودک و در تمام مراحل تربیتی باید به آن توجه داشته باشیم این است که؛ فرزندان به‌طور ناخودآگاه از زندگی و رفتار پدر و مادرشان می‌آموزند و رفتار خوب والدین باهم در خانه بستر مناسبی است برای آموزش‌های غیرمستقیم به فرزندان مخصوصاً به فرزندان پسر.

*حمیده معارف